

عناصر مساعد و نامساعد توسعه اقتصادی

از دیدگاه امام خمینی (ره)

سید محمد میرسنده‌سی

چکیده

این تحقیق، تلاشی برای تنظیم و بررسی نظریات امام خمینی (ره) در مورد توسعه اقتصادی، بویژه ارائه عناصر مساعد یا نامساعد توسعه اقتصادی از دیدگاه ایشان است. تکنیک روش بررسی، تحلیل محتوای بیانات و پیامهای ایشان، مندرج در کتابهای "مجموعه صحیفه نور، وصیت‌نامه و ولایت فقیه" ایشان است.

سرانجام، با تکیه بر جامعه‌شناسی توسعه، ویژگی توسعه اقتصادی از نظر ایشان بیان شده و عناصر مورد توجه ایشان تحلیل و ارائه شده است. عناصر مساعد توسعه اقتصادی شامل "اعتماد به نفس، تحمل مشقات، تمجید و تشویق کار، مشارکت مردم، تعلیم و تربیت، ترجیح نفع جمعی بر نفع شخصی و ثبات و امنیت" است. عناصر نامساعد نیز شامل "وابستگی فکری و غریزدگی، روحیه یأس و ناامیدی، رژیم وابسته، عوامل خارجی مانع توسعه و اعتقاد زدایی از جامعه" است.

در مقایسه‌ای که بین این عناصر و نظریات علمای علوم اجتماعی در این مورد به عمل آمد، همانندیهای فراوان بلکه یکسانیهایی به چشم می‌خورد، که زمینه طرح این عناصر در برنامه‌ریزیهای اقتصادی را نشان می‌دهد.

دقده

۱-۱- اهمیت موضوع

امروزه یافتن طریقی مناسب برای دستیابی به توسعه اقتصادی در بحثهای توسعه از مسائل مطرح و در عین حال، پیچیده است. مفهوم امروزین توسعه، که پس از جنگ جهانی دوم - اواخر دهه ۱۹۴۰ - رایج گردید، به زودی جایگاهی خاص بین اندیشمندان و متفکران مباحث اقتصادی، اجتماعی و سیاسی یافت و از آن تاریخ تاکنون همواره به عنوان یکی از مسائل مهم و سرنوشت ساز کشورهای جهان سوم شناخته می شود که علاوه بر آن به گونه ای با منافع کشورهای صنعتی و پیشرفته نیز گره خورده است.^۱

"در پایان دهه ۱۹۴۰، توسعه به مثابه کوششی برای تقلید از مدل توسعه غربی یا مدل اتحاد شوروی [= شرقی] تلقی می شود."^۲ از این مدل در غرب با نام نوسازی Modernization یا غربی شدن Westernization نیز یاد می شود. عدم پاسخگویی مدل نوسازی توسعه به انجام اطلاعاتی در ساختار ثنوریک آن منجر گردید ولی در مجموع نتیجه مطلوبی از این مدل های توسعه عاید کشورهای جهان سوم نگردیده و معضلات و مشکلاتی را در مقابل برای این گروه از کشورها به وجود آورده است چنانکه امروزه توسعه نیافتگی به منزله سرابی دست نیافتنی برای بسیاری از آنهاست. بعلاوه اینکه امروزه شکست نظری و عملی نظریه توسعه هم مورد پذیرش بسیاری از صاحب نظران توسعه است.^۳ این شکست حاصل یک الگوی نامناسب است. الگویی که در آن، توسعه به منزله جایگزینی یک نظام مدرن (غربی) به جای نظام سنتی تلقی می شد و بهایی گزاف از حیث فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در برداشت.^۴ در کشور ما نیز به دلیل عدم انطباق وضعیت درونی جامعه با الگوهای توسعه غربی و عدم شناخت صحیح از ویژگیها و مقدرات داخلی جامعه این زیان وارد شد که پیروزی انقلاب اسلامی عملاً ادامه آن روند را متوقف ساخت.

در حال حاضر علاوه بر پشت سرگذااردن دگرگونیهای سیاسی عمیق ناشی از انقلاب اسلامی، به جای ماندن خرابیهای اقتصادی ناشی از هشت سال جنگ تحمیلی و دفاع

مقدس و ضرورت بازسازی آنها و همچنین مطرح شدن اقتصاد اسلامی به عنوان ارائه‌کننده نظریات و عقایدی جدید در اقتصاد و الگویی جدید در توسعه اقتصادی (چیزی که برخی آن را تطبیق اقتصاد با سنتهای اخلاقی خوانده‌اند)^۵ همه و همه مطرح شدن مباحث توسعه اقتصادی را ضروری و لازم می‌نمایاند. البته در چند سال اخیر در مجامع علمی و پژوهشی در زمینه چگونگی تدوین الگوی اقتصادی و توسعه اقتصادی مباحثات و کنکاشهای فراوانی صورت پذیرفته است که همگی ناشی از اهمیت فوق‌العاده این موضوع است.

طبیعتاً در چنین فضایی نظریاتی گوناگون ابراز شده است که مجموع آنها طیفی از آرا را تشکیل می‌دهد. در یک سوی این طیف عقایدی این‌گونه مطرح می‌شود که دستیابی به توسعه اقتصادی را مستلزم پیمودن راهی می‌دانند که غرب در جریان توسعه اقتصادی خود پیموده است و در زمینه‌های لازم برای رسیدن به توسعه اقتصادی همان عواملی را ارائه می‌کنند که در فرایند و پیدایش توسعه اقتصادی در غرب وجود داشته و آن را شکل داده است.^۶

در مقابل، در سمت دیگر طیف، باگونه دیگری از نظریات روبرو هستیم که اصولاً در ضرورت پیمودن راه توسعه‌ای که غرب به آن دست یافته است تشکیک کرده و مسئولان و متفکران جامعه را به اندیشیدن و برنامه‌ریزی برای رسیدن و دستیابی به شیوه و طریقی نو در اداره جامعه فرا می‌خواند که اصولاً صنعت در آن رنگ و روی کمتر و نقش غیراساسی تر داشته باشد؛ بدین معنا که توسعه را ویژه مغرب زمین می‌داند و به ما نیز چنین القا می‌کند که از راه و روشی که غرب در به کارگیری صنعت و صنعتی شدن پیموده است - با توجه به پیامدهای اجتماعی آن - باید پرهیز شود.^۷

در چنین اوضاعی که نظریات و دیدگاه‌های مختلف و متفاوتی وجود دارد، آگاهی از نظریات امام خمینی (ره) در این زمینه از اهمیتی خاص برخوردار است. اهمیت آگاهی از نظریات امام (ره) از آنجا ناشی می‌شود که ایشان با احاطه بی‌نظیر بر عرفان اسلامی و ورزیدگی در فلسفه صدرایی در کنار زبیدگی اصولی و فقهی یکی از نادر اندیشمندان

اسلامی در روزگار معاصر و از وارثان علوم اسلامی محسوب می‌گردد.^۸ بررسی نظریات امام(ره) - که از آن با نام تفکر اجتماعی امام خمینی(ره) می‌توان یاد کرد -^۹ در زمینه‌هایی مختلف و از جمله در مباحث اقتصادی و توسعه، با توجه به اینکه در یکی از بزرگترین انقلابات سیاسی - اجتماعی در تاریخ معاصر جهان و در تاریخ اسلام متبلور است، از ویژگی و اهمیت والایی برخوردار است. نقطه تمایز امام(ره) - به عنوان متفکر اجتماعی - از متفکران اجتماعی دوره‌های قبل در این است که امام عملاً نظریات خود را در بوته آزمایش گذارده و در راستای تفکر اجتماعی خود سعی در عملی نمودن به آنها داشته و خود به عنوان معمار و بنیانگذار انقلاب اسلامی مطرح هستند.

این نوشتار کوششی در جهت تدوین و تنظیم نظریات امام(ره) در زمینه توسعه اقتصادی با تأکید خاص بر ارائه عناصر مساعد و یا نامساعد توسعه اقتصادی است که سعی شده است با دیدی جامعه‌شناسانه بدان نگریسته شود؛ به این امید که مورد استفاده دانشپژوهان متعهد در برنامه‌ریزیها و تدوین الگویی اقتصادی متناسب با نظام جمهوری اسلامی قرار گیرد.

۲-۱- تکنیک روش بررسی

از آنجایی که این تحقیق با تکیه بر اسناد به جا مانده از امام(ره) - مجموعه صحیفه نور - انجام می‌پذیرد، بنابراین روش به کار گرفته شده "روش تحلیل محتواست". درباره تحلیل محتوا باید گفت که "تحلیل محتوا در تحقیق اجتماعی روز به روز اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. سببش امکانی است که برای تحلیل منظم اطلاعات و اظهار نظرهای عمیقتر و پیچیده‌تر عرضه می‌کند."^{۱۰} افزایش اهمیت تحلیل محتوا در دنیای امروزه متأثر از گستردگی اسناد و مطالبی است که می‌تواند مورد استفاده این روش قرار گیرد و به بررسی آنها پرداخته شود. "روش تحلیل محتوا (یا دست‌کم برخی از گونه‌هایش) وقتی که موضوع کار آن داده‌ای غنی و نافذ است، بهتر از هر روش دیگری اجازه می‌دهد توقعات دقت عمل روش شناختی و ژرفای ابتکاری را، که معمولاً به

آسانی تلفیق نمی‌شود، به شیوه هماهنگی برآورده کرد.^{۱۱}

شیوه‌های مختلفی در این روش مورد استفاده قرار می‌گیرد که به موضوع تحقیق آن بستگی دارد. کیوی این شیوه‌ها را در دو دسته عمده قرار می‌دهد. "معمولاً روشهای متفاوت تحلیل محتوا در دو دسته رده‌بندی می‌شوند. روشهای کمی و روشهای کیفی. روشهای مقوله اول توسیعی‌اند (تعداد زیادی اطلاعات، مختصر تحلیل می‌شود) و روشهای کیفی تشدید می‌اند (تعداد کمی اطلاعات، مفصل تحلیل می‌شود)"^{۱۲} که در این تحقیق بیشتر بر روش کیفی - مقوله نوع دوم - تکیه شده است.

مجموع گفته‌هایی که با موضوع تحقیق - توسعه اقتصادی - مرتبط است، ابتدا رده‌بندی می‌شود. "در تحلیل محتوا رده‌ها بر پایه معیارهای دلالتی (شناختی) است: "چه گفته می‌شود" یا بر اساس ضوابط صوری (زیبا شناختی) "چگونه گفته می‌شود".^{۱۳} روشن است که موضوع تحقیق ما از نوع رده‌های مبتنی بر رده‌های دلالتی (شناختی) است. موضوع رده‌های دلالتی بر اساس کدگذاری مجموعه یافته‌های تحقیق در ارتباط با توسعه اقتصادی است که عبارتند از:

۱- عناصر مساعد توسعه اقتصادی

۲- عناصر نامساعد توسعه اقتصادی

هریک از کدهای ۱ و ۲ بر اساس موضوعات فرعی تر به کدهای ۱-۱ تا ۱-۷ برای عناصر مساعد و از ۲-۱ الی ۲-۵ برای عناصر نامساعد تقسیم‌بندی شده‌اند که در ادامه تحقیق با همین کدها معرفی خواهند شد.

در مورد واحدهای محتوا باید ذکر کرد که مضمون جمله مورد توجه بوده است. "مضمون ممکن است از جمله، بخشی از جمله، عبارت یا کلمه مستفاد شود."^{۱۴} بطور کلی در این تحقیق مضمونهای مورد نظر در یک پاراگراف یا چند جمله و حتی یک جمله قابل استنباط بوده و مورد ثبت قرار گرفته‌اند؛ اما به لحاظ اینکه هدف تحقیق استنباط کلی از نظریات امام(ره) بوده، لزومی به واحد ثبت و شمارش نبوده و فیشها بر اساس کدهای داده شده جمع‌آوری شده و مورد تحلیل نهایی قرار گرفته است.

۲- تعریف مفاهیم

۲-۱: تعریف توسعه اقتصادی

توسعه اقتصادی در عرف عام به معنی شکفتگی تدریجی، آشکار شدن اجزای هر چیز و رشد چیزی است که در نطفه مکنون است. [به نقل از فرهنگ انگلیسی آکسفورد] ۱۵ واضح است که در مورد توسعه اقتصادی بدین گونه نمی توان از آن سخن گفت. در غالب آثار جامعه‌شناختی جدید واژه توسعه به گونه‌ای کاملاً متفاوت به کار رفته است، نخست به منظور تفکیک دو نوع جامعه از یکدیگر - جوامع صنعتی پر رونق از یکسو و همه جوامعی که عمدتاً روستایی، کشاورزی و فقیرند (ولی از جهات دیگر بسیار متفاوتند) از سوی دیگر - و دوم به منظور تشریح فرایند صنعت‌گستری یا نوسازی ۱۶ بر این اساس می توان گفت که اولاً مفهوم توسعه اقتصادی یک مفهوم عینی است و نه یک مفهوم ذهنی و ثانیاً یک مفهوم تاریخی است. ۱۷ با استفاده از مفهوم عینی دو نوع کشورها را می توان با هم مقایسه کرد و با معانی توسعه اقتصادی، توسعه یافتگی و توسعه نیافتگی آشنا شد و با استفاده از مفهوم تاریخی آن می توان به مطالعه این دو نوع جامعه پرداخت و چگونگی شکل‌گیری و گسترش توسعه اقتصادی و تغییرات ناشی از آن را مورد بررسی قرار داد.

بدین ترتیب باید گفت که مطرح شدن مباحث توسعه اقتصادی به گونه‌ای امروزی آن تنها پس از پایان جنگ جهانی دوم رایج گردید و پیدایش چنین مباحثاتی مبتنی بر یافتن راه‌هایی برای دستیابی به توسعه اقتصادی در کشورهای جهان سوم بود. بر همین مبنا برخی از آن به نام مطالعات "توسعه اقتصادی در جهان سوم" و یا "توسعه اقتصادی کشورهای آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین" یاد می‌کنند. ۱۸

اولین گروهی که به مطالعه منظم مسأله توسعه پرداختند از میان اقتصاددانان بودند که بنیان "علم اقتصاد توسعه" را بنا نهادند. ۱۹ بر همین اساس، اینان، اصل بسیاری از دیدگاه‌های اقتصادی خود را در مطالعات توسعه وارد کرده و از توسعه اقتصادی در حد رشد اقتصادی سخن به میان آورده‌اند. از این نظریات با نام "نظریه‌های مراحل رشد

اقتصادی" نام برده می‌شود.^{۲۰}

بر حسب نظریهٔ مراحل رشد اقتصادی، فرایند توسعه چون رشتهٔ متناوبی که تمام کشورها باید از آن عبور کنند بررسی می‌شود. این نظریه اساساً یک نظریهٔ اقتصادی توسعه بود که بر حسب آن اندازه و ترکیب صحیح پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و کمک خارجی، جملگی لازم بود تا کشورهای جهان سوم بتوانند راه رشد اقتصادی را، که از نظر تاریخی به وسیلهٔ کشورهای توسعه‌یافته پیموده شده بود، طی کنند و به این ترتیب، توسعه با رشد اقتصادی مترادف شد.^{۲۱} مهمترین نظریه پرداز این دیدگاه "روستو" بود که مراحل پنجگانه رشد اقتصادی را برای تمامی جوامع پیش‌بینی کرده و مدعی بود که جوامع صنعتی در مراحل نهایی آن و جوامع جهان سوم به تناسب وضعیتشان در مراحل دوم و سوم این پنج مرحله قرار دارند.^{۲۲}

در هر حال، در مجموع، توسعه در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ تقریباً همیشه به عنوان یک پدیده اقتصادی ملاحظه شده است، با فرض اینکه پیشرفت سریع در رشد تولید ناخالص ملی کل و سرانه تدریجاً به شکل مشاغل و سایر امکانات اقتصادی عاید توده‌ها خواهد شد و یا شرایط لازم را برای توزیع گسترده‌تر منافع اقتصادی و اجتماعی رشد ایجاد خواهد کرد.^{۲۳} بنابراین، اگر بخواهیم نظر این دیدگاه را در یک جمله خلاصه کنیم، می‌توانیم قول مک‌لورپ را بیان کنیم که "کاربرد منابع تولیدی به گونه‌ای که رشد درآمد سرانه را به طور مستمر به دنبال داشته باشد، توسعه نامیده می‌شود؛"^{۲۴} یعنی مطابق نظر این دیدگاه، توسعهٔ اقتصادی به معنای رشد اقتصادی مستمر است. با توجه به این تعبیرها از توسعهٔ اقتصادی در می‌یابیم که مسائل فقر، بیکاری و توزیع در این دیدگاه به نسبت توجه به مسأله رشد در درجهٔ اهمیت کمتری قرار دارد.^{۲۵}

بر این اساس، در دههٔ بعد - ۱۹۷۰ - با تعریفها و دیدگاه‌های جدید در توسعه روبرو می‌شویم که در کل از آنها با نام مدل‌های ساختی "انترناسیونالیست" یاد می‌شود.^{۲۶} این مدل‌های نظری بیشتر از آنکه بحث خود را در چگونگی تحقق توسعه اقتصادی مطرح کند، بر روی علل توسعه نیافتگی متمرکز شده است. این مکتب عقب‌افتادگی را از نظر

مناسبات بین‌المللی و داخلی، انعطاف‌پذیری اقتصادی، نهادی و ساختی و توسعه ناشی از اقتصادهای دوگانه و جوامع دوگانه در درون و بین کشورهای جهان بررسی می‌کند.^{۲۷} بدین ترتیب، نظریه‌های ساختگرا، تأکید را بر موانع نهادی داخلی و خارجی توسعه اقتصادی می‌گذارد و بر سیاستهایی تأکید می‌کند که متوجه ریشه‌کن کردن فقر، تأمین امکانات متنوع اشتغال و کاهش نابرابری در آمد هستند.^{۲۸} نکته قابل توجه در متن اینگونه نظریات، این است که در این نظریه‌ها برای رشد اقتصادی به خودی خود، آن منزلت والایی را که مدل مراحل خطی قائل است، قائل نیستند.^{۲۹} همین مسأله این نظریات را از هم متمایز می‌گرداند. این موضوع را می‌توان اضافه کرد که پیشرفت اقتصادی تنها یکی از عوامل مهم توسعه است و دلیل آن این است که توسعه اقتصادی صرفاً پدیده‌ای اقتصادی نیست، توسعه نهایتاً باید علاوه بر جنبه مادی و پولی زندگی مردم سایر جنبه‌ها را نیز در برگیرد لذا باید به عنوان جریانی چند بعدی که مستلزم تجدید سازمان و تجدید جهت‌گیری مجموعه نظام اقتصادی و اجتماعی کشور است مورد توجه قرار گیرد. توسعه علاوه بر بهبود وضع درآمدها و تولید، آشکارا در بردارنده تغییرات بنیادی در ساختهای نهادی، اجتماعی و اداری و نیز طرز تلقی عامه در بیشتر موارد حتی آداب و رسوم و اعتقادات است.^{۳۰}

بطور خلاصه در مورد این مکتب باید گفت که این دیدگاه معتقد است که برای تحقق توسعه اقتصادی باید تغییرات ساختاری در روابط و نهادهای جامعه به وجود آورد که برخی از متفکران این دیدگاه، متأثر از دیدگاه مارکسیستی، این تغییرات ساختاری را در انقلاب خلاصه می‌کنند، ولی به هر حال لزوم تغییرات ساختاری و بنیادین در تمامی نظریات این دیدگاه منعکس است.

دیدگاه‌های دیگر نیز در زمینه توسعه اقتصادی وجود دارد که پیشرفت و توسعه اقتصادی را تنها بخشی از توسعه یافتگی می‌دانند. این دسته برای توسعه سه ارزش اصلی مرتبط با نیازهای اساسی انسان قائل هستند که این سه ارزش عبارتند از: معاش زندگی، اعتماد به نفس و آزادی. شرط وقوع توسعه مطابق این نظر، وقوع و پیدایش این سه

ویژگی در جامعه است.^{۳۱} ولی به لحاظ اینکه وارد شدن در این نظرگاه ما را از مبحث اصلی که همان توسعه اقتصادی است، دور می‌کند، بیشتر وارد جزئیات آن نمی‌شویم و بحث بیشتر در آن، که به مباحث توسعه به معنای عام باز می‌گردد، حیطه وسیعتری را دربر می‌گیرد.

در پایان بنا به آنچه تاکنون از تعابیر مختلف توسعه اقتصادی به دست دادیم می‌توان آنها را بطور خلاصه چنین بیان کرد:

۱- تعریفهایی از توسعه مبتنی بر نظریه‌های "مراحل رشد اقتصادی" که تحقق توسعه اقتصادی را در پیدایش رشد اقتصادی مستمر می‌داند؛ تئوری نوسازی مهمترین و معروفترین این نظریات است.

۲- تعاریفی از توسعه که بر اساس وقوع تغییرات ساختاری و اساسی در نهادهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه، دستیابی به توسعه اقتصادی را میسر می‌داند و بیشتر این تغییرات را در قالب انقلاب مطرح می‌سازد؛ معروفترین نظریه این دیدگاه "نظریه وابستگی" است.

۳- تعریف عام از توسعه که توسعه را در چهارچوب وسیع مورد توجه قرار می‌دهد و بر نیازهای اساسی بشر توجه خاص دارد. این نظرگاه بیشتر به توسعه انسانی مربوط می‌شود تا توسعه اقتصادی. حال پس از آشنایی مختصر با مفاهیم توسعه اقتصادی ببینیم که در نظریات امام (ره) چگونه می‌توان به این مفاهیم رسید.

۲-۲: توسعه اقتصادی از دیدگاه امام خمینی (ره)

بیان این مطلب ضروری است که امام در هیچ بیانی صریحاً از لفظ توسعه اقتصادی صحبت به میان نیاورده‌اند، ولی از سیاق کلام ایشان می‌توان مطالبی را به تعبیرهایی دست یافت که با این موضوع ارتباط دارد و از آنها می‌توان در زمینه توسعه اقتصادی استنباط کرد. برخی از این تعبیرها که مورد توجه قرار گرفته‌اند بدین شرح است:

۱-۲-۲- اینک ما باید ایران را بسازیم، از نو بسازیم...^{۳۲}

۲-۲-۲- برای سازندگی یک مملکت هم افراد هر یک دخالت دارند. همه با هم

- مشغول تصحیح این اموری که آنها خراب کردند باشیم.^{۳۳}
- ۲-۲-۳- اگر همچو چیزی شد (مشارکت مردم در کارها) یک مملکت آباد و صحیح و خوب، محقق خواهد شد.^{۳۴}
- ۲-۲-۴- کسب خودکفایی و بازسازی و کشور را روی پای خود نگه داشتن^{۳۵}
- ۲-۲-۵- این کشور را آباد می‌کنند... کشور را از وابستگی به خارج رها می‌کنند... و آن رفاهی که در اسلام و آن طمأنینه‌ای را که در اسلام برای افراد حاصل خواهد شد، حاصل کنیم در این کشور.^{۳۶}
- ۲-۲-۶- بخواهیم که خودمان وسایل زندگی خودمان را فراهم کنیم با کوشش خودمان، باید کارهای خودمان را انجام بدهیم، مدتی می‌گذرد و ما خودمان صنعتگر خواهیم شد.^{۳۷}
- ۲-۲-۷- تا این مملکت بنای بر این نگذارد که ما همه چیزمان از خودمان باشد، ما باید قطع رابطه اقتصادی، رابطه فرهنگی از خارج بکنیم. فرهنگ از خود ما باشد، اقتصاد از خود ما باشد. تا این بنا در توده‌ها نباشد، نمی‌توانیم استقلال پیدا کنیم.^{۳۸}
- ۲-۲-۸- تا ما نتوانیم صنعت خودمان را برسانیم به آنجایی که دیگر محتاج به دیگران نباشیم، وابسته‌ایم.^{۳۹}
- ۲-۲-۹- امروز این کشور ما احتیاج به کار دارد. چرا باید محتاج به خارج باشیم! باید همت کنند، باید بنای بر این بگذارند که مستقل باشند در اقتصاد.^{۴۰}
- ۲-۲-۱۰- همه باید دست به دست هم بدهند برای ترمیم این جهت که این وابستگی از بین برود و یک مملکتی باشد که هم اقتصادش مستقل باشد و هم...^{۴۱}
- ۲-۲-۱۱- اگر ما وابستگی فرهنگی را داشته باشیم دنبالش وابستگی اقتصادی هم هست.^{۴۲}
- ۲-۲-۱۲- آنطور تبلیغات کرده بودند و کردند - که ایران، اسلام از عهده اینک یک علمی را، یک تخصصی را یک صنعتی را ایجاد کند، عاجز است، ما حتماً باید دستانمان را در همه چیز به طرف شرق یا غرب دراز کنیم.^{۴۳}

- ۱۳-۲-۲... ناتوانی را به خورد کشورهای مستضعف بدهند و خود مردم بر این باور باشند که نمی‌توانیم صنعتی را ایجاد کنیم... هر کشوری که اعتقادش این باشد که نمی‌تواند خودش صنعتی را ایجاد کند، این ملت محکوم به این است که تا آخر نتواند.^{۴۴}
- ۱۴-۲-۲... مراکز تبلیغاتی علیه دستاوردهای خودی و نیز خود کوچک دیدنها و ناچیز دیدنها، ما را از هر فعالیتی برای پیشرفت محروم کرد.^{۴۵}
- ۱۵-۲-۲... و غم‌انگیزتر اینکه آنان ملت‌های زیرسلطه را در همه چیز عقب نگهداشته و کشورهای مصرفی بارآوردند و به قدری ما را از پیشرفتهای خود و قدرتهای شیطانی‌شان ترسانده‌اند که جرأت دست‌زدن به هیچ کاری نداریم...^{۴۶}
- ۱۶-۲-۲... مملکت ما را از ناحیه اقتصاد خراب کرد. تمام اقتصاد ما الآن خراب است و از هم ریخته است و الآن در همه چیز محتاجند به خارج یعنی محمدرضا این کار را کرد تا بازار درست کند از برای امریکا و ما محتاج او باشیم.^{۴۷}
- ۱۷-۲-۲... یک ایرانی که همه قشرهای آن در رفاه باشند ما می‌خواهیم.^{۴۸}
- ۱۸-۲-۲... مهم این است که مملکت حالا که می‌گوییم دست خودمان است، یک مملکتی باشد که خودکفا باشد و سازندگی شروع بشود تا مملکت را بطوری که اقتصادش صحیح باشد، کشاورزیش درست باشد، دانشگاه‌هایش درست بشود، همه اینها آشفته‌اند چون که از زمان طاغوتند.^{۴۹}
- ۱۹-۲-۲... نقشه این است که ما را عقب مانده نگه دارند و به همین حالی که هستیم و زندگی نکبت‌باری که داریم نگه دارند تا بتوانند از سرمایه‌های ما، از مخازن ما و منافع زیرزمینی و زمینها و نیروی انسانی ما استفاده بکنند.^{۵۰}
- ۲۰-۲-۲... حکومت‌های دست‌نشانده آنها از صنعتی‌شدن ما جلوگیری می‌کنند یا صنایع وابسته و مونتاژ تأسیس می‌کنند.^{۵۱}
- برای جلوگیری از اطالة کلام، به ذکر همین مقدار که نمونه‌ای از صحبت‌های امام (ره) در ارتباط با موضوع توسعه اقتصادی است بسنده می‌کنیم. اگر بخواهیم این تعابیر را به‌طور خلاصه بیان کنیم در می‌یابیم که کلمات محوری عبارتند از: سازندگی، بازسازی،

خودکفایی و استقلال اقتصادی، رفاه و پیشرفت، صنعتی شدن و صنعتگری و در مقابل صنعت وابسته، وابستگی اقتصادی، عقب‌نگه داشته شده، شکست خورده، آشفته و... با مطالعه مباحث توسعه اقتصادی نیز در می‌یابیم که کشورهای مختلف جهان سوم در پی دستیابی به مفاهیم نوع اول هستند و سعی در زدودن ویژگیهای نوع دوم دارند. بنابراین مفاهیم فوق از محورهای اساسی در مباحث توسعه اقتصادی هستند که مورد توجه امام خمینی (ره) نیز قرار داشته‌اند.

اگر بخواهیم تعریفی در باره توسعه اقتصادی از دیدگاه امام خمینی (ره) ارائه دهیم با استفاده از همین مفاهیم اساسی امکانپذیر خواهد شد. بر این اساس ویژگیهای مهم و محورهای اساسی در توسعه اقتصادی از دیدگاه امام خمینی (ره) به این شرح است:

۱- امام به خودکفایی و استقلال اقتصادی توجه خاصی مبذول داشته‌اند و در اصل زمینه برای توسعه اقتصادی با فراهم آمدن خودکفایی اقتصادی فراهم می‌آید. ایشان در این راه اتکا به نیروهای انسانی خودی و عوامل تولید داخلی را بسیار مهم می‌شمارند.

۲- امام به صنعت و صنعتی شدن با دیدی مثبت و واقع‌گرایانه می‌نگرند و برای اینکه کشور به توسعه اقتصادی دست پیدا کند بر صنعتی شدن کشور تأکید دارند و اعتقاد به این مطلب دارند که تا زمانی که ما نتوانیم صنعتی مطابق عرف بین‌الملل داشته باشیم، نمی‌توانیم از استقلال اقتصادی دم بزنیم.

۳- امام به توسعه اقتصادی به عنوان زمینه‌ای برای ایجاد رفاه و آبادانی در جامعه توجه دارند و بر این مطلب تأکید دارند که با دستیابی به توسعه اقتصادی می‌توان رفاهی را که اسلام بدان توجه داشته است برآورده کرد.

۴- امام به توسعه اقتصادی با دید رشد اقتصادی نمی‌نگرند و در این باور، استقلال فرهنگی را زمینه دستیابی استقلال اقتصادی می‌دانند و ما را به این مطلب توجه می‌دهند که وابستگی فرهنگی ما را به وابستگی اقتصادی نیز خواهد کشاند.

۵- نتایجی از عدم تحقق توسعه اقتصادی بر جامعه مترتب خواهد شد که عبارتند از: عقب‌ماندن جامعه، مصرفی بارآمدن کشور در نتیجه اتکا به واردات محصولات

کشورهای دیگر، غارت شدن مخازن و منافع زیرزمینی موجود در کشور و هدر رفتن نیروی انسانی. این محورها برخی از خصوصیات کلی نظرگاه امام در ارتباط با توسعه اقتصادی است که در ادامه تحقیق در بخش معرفی عناصر مساعد یا نامساعد توسعه اقتصادی بطور گسترده تر و جزئی با این ویژگیها آشنا خواهیم شد.

۳- عناصر مساعد و یا نامساعد توسعه اقتصادی

۱-۳- دیدگاه‌های مختلف در ارائه عناصر مساعد یا نامساعد توسعه اقتصادی

همانطوری که در بخشهای قبلی در تعریف توسعه و چگونگی انجام آن در جامعه مان، با انواعی از تعریفها و دیدگاه‌ها روبرو بودیم، در این نکته که "چه عناصر و زمینه‌هایی برای وقوع توسعه اقتصادی لازم هستند و چه عناصر مانع"، نیز اتفاق نظری وجود ندارد بطور کلی می‌توان گفت که بین دیدگاه‌ها و تعریفهای توسعه از یکسو و چگونگی ارائه عناصر و زمینه‌های لازم یا مانع برای توسعه اقتصادی یک ارتباط وجود دارد؛ یعنی کسی که مبتنی بر دیدگاه نوسازی - مراحل رشد اقتصادی - به تعریف توسعه می‌پردازد، زمینه‌هایی را برای وقوع توسعه اقتصادی در نظر می‌گیرد؛ از جمله: غربی شدن در تمامی آداب و رسوم و عقاید^{۵۲} و کسی که با دیدگاه وابستگی - نظریه‌های ساختگرا - توسعه را تعریف می‌کند، زمینه‌های دیگری را در ارتباط با تحقق توسعه اقتصادی لازم می‌شمارد.

جدای از دیدگاه و تعاریف توسعه، شیوه‌ای دیگر از ارائه عناصر لازم برای توسعه اقتصادی وجود دارد که می‌توان آنها را با عنوانهای "عناصر سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، روانی" بیان کرد. تقسیم‌بندی اخیر بیشتر در حوزه‌های مطالعاتی مختلف توسعه مورد توجه قرار می‌گیرد؛ مثلاً علوم سیاسی بیشتر به مطالعه عناصر و زمینه‌های سیاسی توسعه تمایل دارد و علوم اقتصادی به عوامل و آثار اقتصادی توسعه توجه می‌کند.

در بحث ما، که به دیدگاه جامعه‌شناسانه متکی است، طبیعتاً به مجموع این عناصر

توجه می‌شود. ولی باید گفت که در نظرگاه‌های مختلف جامعه‌شناختی نیز وحدت نظر وجود ندارد. برخی عناصر فرهنگی را مهم جلوه داده و توجه خود را به زمینه‌های فرهنگی توسعه اقتصادی مبذول می‌دارند و بعضی دیگر عناصر اقتصادی را. برای اینکه ما به هدف خود در این نوشتار که همانا ارائه عناصر مساعد و نامساعد توسعه اقتصادی از دیدگاه امام (ره) است، برسیم، بطور اجمال به برخی از این نظریات توجه می‌کنیم که البته عناصر فرهنگی لازم برای توسعه اقتصادی بیشتر مطرح هستند.

دکتر عظیمی، باورهای مناسب فرهنگی عمده و اساس لازم برای فرایند توسعه اقتصادی را در موارد ذیل خلاصه می‌کند؛ "حاکمیت نگرش علمی بر باورهای فرهنگی جامعه، اعتقاد و باور فرهنگی به برابری انسانها، لزوم احترام به حقوق دیگران، نظم‌پذیری جمعی، آزادی سیاسی و توجه معقول به دنیا و مسائل مادی ذی‌ربط و دوری از زهد و ریاضت نامعقول"^{۵۳}

نتیجه‌ای که از ارائه این عناصر فرهنگی در ارتباط با توسعه اقتصادی گرفته می‌شود چنین است که "توسعه اقتصادی نیازمند هویت مستقل فرهنگی است؛ بنابراین وجود هویت مستقل فرهنگی برای توسعه اقتصادی لازم است."^{۵۴} روشن است که این دیدگاه به فرهنگ و عناصر فرهنگی و لزوم تغییر در آن برای تحقق توسعه اقتصادی اهمیت بیشتری می‌دهد، هرچند که در متن آن به عناصری سیاسی هم برخورد می‌کنیم.

گی‌روشه اوضاع مساعد برای توسعه اقتصادی را در آموزش و پرورش (فراهم آوردن محتوای آموزشی مساعد برای توسعه اقتصادی)، استقرار یک قدرت سیاسی مرکزی (مستقل و غیر وابسته) ایدئولوژی مناسب (اعم از ایدئولوژی سیاسی و اقتصادی)^{۵۵} می‌داند که این مفاهیم بیشتر در حوزه عناصر سیاسی جای می‌گیرد.

در کتاب مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی روستایی، در پاسخ به این سؤال که چه عوامل و زمینه‌هایی به توسعه اقتصادی کمک می‌کند، به چنین عناصری توجه شده است: "ایجاد وحدت در هدفها و عقاید مردم، ایجاد روحیه همکاری و تعاون، عدم رضایت از وضع موجود به عنوان وضعیت مطلوب، استعمارزدایی، اتکا به خود Self-reliance

جنبه‌های فرهنگی و اقتصادی^{۵۶} از طرف دیگر شرایطی چون "تفرقه (تکیه بر خرده‌فرهنگها) و فردگرایی و عدم اعتماد متقابل در روابط شخصی، رضایت به وضع موجود و استعمارگری" را از عوامل و عناصر مانع برای توسعه اقتصادی به حساب می‌آورد.^{۵۷}

مشخصات فرهنگی زیر از دیدگاهی دیگر بیان شده است:

دنیاگرایی، عقل‌گرایی، تجربه‌گرایی، قانون‌گرایی، پراگماتیسم و اصالت‌کار، شک‌گرایی، فردگرایی، تحول‌گرایی، علم - تکنیک - صنعت‌گرایی، تولیدگرایی و بعد مصرف‌گرایی و سرانجام، حضور، هماهنگی و تعامل همه این ویژگیها در مجموعه‌ای منسجم به مثابه سیستم فرهنگی هم در سطح خرد (فکر و رفتار) و هم در سطح کلان (جامعه با نهادهايش).^{۵۸} این دیدگاه اصولاً زمینه‌های فرهنگی توسعه اقتصادی را در غرب به عنوان زمینه‌های لازم برای توسعه اقتصادی جمع‌آوری کرده و ارائه می‌کند و معتقد است که توسعه اقتصادی بدون وجود چنین عناصر و زمینه‌هایی نمی‌تواند به وقوع بپیوندد.

ارائه این مجموع نظرگاه‌ها به ما چنین می‌نمایاند که در پاسخ به این مطلب که چه عناصر و زمینه‌هایی از لوازم بلافصل توسعه اقتصادی هستند، نظریات یکسانی وجود ندارد.^{۵۹} بر این اساس نمی‌توان اصولی ثابت و جزمی برای دستیابی به توسعه اقتصادی معرفی کرد و بدین‌سان در همین حد اکتفا می‌کنیم با ذکر این نتیجه که: "همانطوری که در دیدگاه‌ها و نظرگاه‌های توسعه، طیفی از نظریات مختلف وجود دارد، در بیان عناصر مساعد یا نامساعد توسعه اقتصادی نیز نظرگاه‌های مختلف موجود است". اگر برای این نتیجه‌گیری باید دلیلی ارائه کرد، می‌توان به این گفته تودارو استناد کرد که اصولاً علوم اجتماعی به لحاظ موضوعات مورد مطالعه‌اش - انسان در جریان عادی زندگی - و نیز فعالیت‌هایشان در زمینه اجتماعی، در موقعیت غیر معمولی و غیر فیزیکی قرار دارد. برخلاف علوم فیزیکی، علوم اجتماعی نه می‌توانند ادعای قوانین علمی کنند و نه می‌توانند ادعای کشف حقیقت جهانی را داشته باشند بلکه در علوم اجتماعی و از جمله اقتصاد و

توسعه فقط می‌تواند "گرایش" وجود داشته باشد، و حتی این گرایش نیز تابع تغییرات کشورها و فرهنگها و زمانهای متفاوت است.^{۶۰}

بنابراین، طبیعی است که معیارهای در نظر گرفته شده نیز تابعی از گرایشهای مختلف توسعه اقتصادی باشد و شرایط مختلف، در اینکه چه عناصری مطلوب و چه عناصری نامطلوب است، تأثیر می‌گذارد؛ شرایطی چون زمینه‌های نهادی، اجتماعی و سیاسی.^{۶۱} بدین ترتیب ذکر این مسائل ما را در ادامه انجام تحقیق جاری مصمم و امیدوارتر می‌سازد که با ارائه عناصر مساعد یا نامساعد توسعه اقتصادی از دیدگاه امام خمینی (ره) بتوانیم با توجه به مقتضیات و وضعیت جامعه خویش به تدوین الگوی توسعه اقتصادی پردازیم. قبل از اینکه به تفصیل به این عناصر پردازیم، بطور اجمال با معرفی آنها به تطابق آنها با نظریات موجود بین جامعه‌شناسان توجه می‌کنیم.

۲-۳- عناصر مساعد توسعه اقتصادی

۱-۲-۳- اتکا به خود یا اعتماد به نفس

۱-۱- این عنصر به عنوان یک عنصر روانی - فرهنگی بسیار مورد توجه امام قرار داشته است و ایشان همیشه در ترغیب نیروهای خودی به استفاده از نیروهای انسانی موجود در کشور سعی کرده‌اند و به دفعات، گذشته روشن ایران را در پیشسازی در علم و صنعت گوشزد کرده‌اند. امام به عنصر مزبور هم در سطح کلان یعنی جامعه و هم در سطح خرد - فردی - توجه داشته‌اند. در مورد اهمیت اعتماد به نفس می‌توان به این مطلب اشاره کرد که تودارو برای درک معنای درونی توسعه حداقل سه ارزش اصلی را به عنوان پایه فکری و رهنمود علمی در نظر می‌گیرد. یکی از این سه ارزش اصلی همان اعتماد به نفس Self - Esteem است.^{۶۲} وی در توضیح در باره اعتماد به نفس می‌گوید: "اعتماد به نفس یا احساس شخصیت کردن، عزت نفس داشتن و آلت دست قرار نگرفتن توسط دیگران برای مقاصد شخصیشان، که تمام مردم و جوامع به دنبال نوعی اعتماد به نفس هستند، هر چند که ممکن است ماهیت و شکل اعتماد به نفس از جامعه‌ای به جامعه دیگر و یا از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر تغییر یابد."^{۶۳} تودارو می‌خواهد بگوید

که تا ملتی اعتماد به نفس نداشته باشد نمی‌تواند راهی به سمت توسعه پیدا کند. در مورد اعتماد به نفس در بخشهای قبلی نیز دیدیم که مورد توجه قرار گرفته بود، بنابراین عنصر فوق به عنوان یک ارزش مطلوب در بحثهای توسعه مطرح است که امام(ره) نیز بدان توجه داشته‌اند.

۲-۲-۳- تحمل مشقات

۲-۱- عنصری فرهنگی که در بحثهای جامعه‌شناسی با تعبیر "تأخیر انداختن، در برآوردن نیازهای اجتماعی و انسانی" قابل مشاهده است. تأخیر در برآورده کردن نیازها، در وضعیتی که جامعه به سمت تولید می‌رود، عاملی در بهبود وضعیت اقتصادی و دستیابی به توسعه اقتصادی است. ضمن اینکه، تحمل مشقات شامل آمادگی روحی برای رویارویی با مشکلات مختلف اعم از اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نیز می‌شود. بطور مشخص در این باره می‌توان به ترماکس وبر در ارتباط با "تأثیر اخلاق پروتستانی نشأت گرفته از تعلیمات کالون" در پیشرفت کاپیتالیسم غربی اشاره کرد. البته منظور در اینجا این نیست که ما هم به کاپیتالیسم دست پیدا کنیم ولی به عنوان عاملی مهم در توسعه اقتصادی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. زهد اخلاقی در آیین کالوینیسم متضمن سه وظیفه مهم است که یکی از آنها همین مطلب است که "فرد مؤمن باید دارای زندگی سخت و دشوار باشد." آنچه را باعث نوازش و تحریک احساسات می‌شود باید از خود دور کرد و اگر فرد مؤمن در نتیجه کار، ثروتی جمع آوری نمود، این ثروت نباید صرف رفاه و لذت و تفریح وی گردد، بلکه باید در راه فعالیت‌های تولیدی جدیدی به کار گرفته شود.^{۶۴} بدین ترتیب است که می‌بینیم بهره‌وری بیشتر در کار همراه با تحمل مشقتهای آن و نفی تجمل به پیدایش سبکی در زندگی انجامید که مستقیماً روح سرمایه‌داری را در ایجاد یک جو مساعد برای توسعه‌اش تحت تأثیر قرار داد.^{۶۵}

۳-۲-۳- تمجید و تشویق کار

۳-۱- عنصری روانی که با وارد شدن آن در اذهان جامعه، بالطبع آن جامعه از بهره‌وری بیشتری در تولید برخوردار می‌گردد و با استمرار آن به صورت یک ویژگی

برونگی در می‌آید. تأثیر این عامل نیز در تشکیل نظام سرمایه‌داری - شیوه‌ای از توسعه اقتصادی موضوعی است که در تحقیق ماکس وبر نیز مشاهده می‌شود بسیاری از جامعه‌شناسان هم وجود آن را در جامعه به عنوان زمینه‌ای لازم برای تحقق توسعه اقتصادی به شمار می‌آورند. در تز ماکس وبر کار در حقیقت یکی دیگر از ویژگیهای زهد اخلاقی کالوینسیم است که در توضیح آن می‌گوید: "اولین وظیفه کار است. بنابراین تنبلی، بیکارگی و بطالت از گناهان کبیره محسوب می‌گردد و مهمتر اینکه فقط کافی نیست که کاری انجام گیرد، بلکه کار باید خوب و بویژه در راه هدفهای مفید و تولیدی انجام گیرد.^{۱۶}

بنابراین باید گفت که پرداختن به کار زیاد آن هم کارهایی که جامعه مفید تشخیص می‌دهد، از اصولی‌ترین زمینه‌های تحقق توسعه اقتصادی است.

۴-۲-۳- مشارکت مردم در امور

۴-۱- عنصری با ویژگی سیاسی - اجتماعی که بسیاری از دست‌اندرکاران مطالعات توسعه آن را به عنوان یکی از شروط اصلی پیدایش توسعه در یک جامعه می‌دانند، و حتی در گرایشی از مطالعات توسعه در مباحث خویش زمینه وقوع توسعه اقتصادی را در پیدایش توسعه سیاسی و از جمله مشارکت مردم در امور جامعه اعم از تصمیم‌گیری، سرمایه‌گذاری و مشارکت کاری می‌دانند.^{۱۷} اصلی که در این زمینه باید مورد توجه قرار گیرد این است که عدم توجه به نقش مشارکت مردم در فرایند توسعه اقتصادی هر برنامه‌ریزی را برای دستیابی به توسعه اقتصادی محکوم به شکست خواهد کرد و بالعکس گسترش امکان مشارکت مردم در امور اقتصادی تسهیل‌کننده فرایند توسعه خواهد بود.

۵-۲-۳- تعلیم و تربیت (آموزش)

۵-۱- بیشتر نظریه پردازان توسعه اقتصادی در این امر توافق دارند که آنچه در نهایت، خصوصیت و روند توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور را تعیین می‌کند، منابع انسانی آن کشور است و نه سرمایه و یا منابع مادی آن^{۱۸} و زمانی نیروی انسانی می‌تواند

در خدمت توسعه قرار گیرد که از آموزش خوب بهره‌مند شود. بنابراین واضح است که کشوری که نتواند مهارت‌ها و دانش مردمش را توسعه دهد و از آن در اقتصاد ملی به گونه‌ای مؤثر بهره‌برداری کند، نمی‌تواند هیچ چیز دیگر را توسعه بخشد.^{۶۹} بنابراین در می‌یابیم که آموزش نیروی انسانی در فرایند توسعه اقتصادی نقش مهمی را داراست و تداوم آن برای تحقق کامل توسعه اقتصادی ضروری است. در اینجا این نکته مهم است که امام آموزش (تعلیم) را تنها بخشی از نیاز نیروی انسانی دانسته و در کنار آن تربیت را هم لازم می‌داند؛ یعنی تعلیم و تربیت در کنار هم می‌تواند نیروی انسانی مساعد برای توسعه اقتصادی به وجود آورد. در اینکه آثار و پیامدهای آموزش بدون تربیت چه نتایجی برای پیشرفت و توسعه کشور می‌تواند در برداشته باشد در بین عناصر نامساعد توسعه اقتصادی بدان اشاره خواهد شد.

۶-۲-۳- توجیح نفع جمعی در مقابل شخصی (مادر مقابل من)

۶-۱- در وضعیتی که حرکت کلی یک جامعه به سمت تحقق توسعه اقتصادی و گسترش نتایج ناشی از آن است مثلاً گسترش عدالت اجتماعی، تأمین و رفاه اجتماعی و...، طبیعی است که هماهنگی تمامی افراد جامعه امری ضروری است. بر این اساس باید گفت در این وضعیت افراد جامعه قبل از اینکه در فکر منافع شخصی خود باشند، باید به منافع کلی جامعه توجه داشته باشند، و در صورتی که چنین روحیه‌گذشتی در بین افراد جامعه به وجود نیاید نمی‌توان امیدوار بود که منافع کلی جامعه - که در اینجا همان تحقق توسعه اقتصادی است - به آسانی محقق گردد. بنابراین عنصر فوق را می‌توان به عنوان عامل تسهیل‌کننده فرایند توسعه اقتصادی در نظر گرفت. این عنصر که دارای ویژگی اخلاقی است تنها در مطالعات جدید توسعه مورد توجه خاص قرار گرفته است و نویسندگان آن ضمن انتقاد از مدل‌های توسعه، جایگاه اخلاق را در مدل‌های توسعه جدید امری مهم و ضروری می‌داند.^{۷۰} ضمن اینکه در برخی مطالعات توسعه سیاسی نیز به این نکته تأکید شده است که در فرایند توسعه ضروری است که مردم شیوه جمعی کار کردن و در جهت منافع جمع عمل کردن را بیاموزند.^{۷۱}

۷-۲-۳- ثبات و امنیت

۷-۱- این عنصر بیشتر در حوزه عناصر سیاسی لازم برای توسعه اقتصادی جای می‌گیرد. اصولاً یکی از اصول سرمایه‌گذاری اقتصادی در یک جامعه، دارا بودن شرایط امنیت اجتماعی در آن جامعه است و با توجه به اینکه برنامه‌ریزی توسعه در یک کشور با پیش فرض وجود حاکمیت سیاسی در آن کشور انجام می‌پذیرد، در مطالعات توسعه اقتصادی بر روی ثبات و امنیت، تأکیدی خاص نشده است. اما می‌توان عدم وجود ثبات و امنیت را به عنوان یک مانع برای توسعه اقتصادی به حساب آورد. در جامعه‌ای که گروه‌های متخاصم با منافع متضاد وجود داشته باشند نوعی تجزی اجتماعی به وجود می‌آید. این تجزی اجتماعی و تقسیم‌بندی جامعه به گروه‌های کوچک و متخاصم در برابر یکدیگر، در به وجود آوردن کنشهای جمعی مؤثر در توسعه، عاملی نامساعد به شمار می‌رود.^{۷۲} بعلاوه اینکه، در فرایند استعمارگری کشورهای امپریالیستی این نکته را می‌توان مشاهده کرد که این گروه‌ها با ایجاد تفرقه‌های مختلف قومی و گروهی در کشور مستعمره و یا تازه به استقلال رسیده، زمینه هرگونه پیشرفت و رشدی را در آن جامعه از بین می‌برند. روی این اصل، عدم وجود ثبات و امنیت و تخاصم بین گروه‌های متضاد در سطح جامعه به عدم امنیت در جامعه و بی‌ثباتی وضعیت سیاسی کشور منجر می‌گردد و به طور مستقیم بر فرایند توسعه اقتصادی تأثیر منفی می‌گذارد و آن را متوقف یا کند می‌سازد. با استفاده از برهان خلف می‌توانیم بگوییم که "ثبات و امنیت" در جامعه به عنوان یکی از زمینه‌های مساعد برای تحقق توسعه اقتصادی عمل می‌کند.

۳-۳- عناصر نامساعد برای توسعه اقتصادی

۱-۳-۳- وابستگی فکری - غریزگی

۱-۲- همانطوری که تعلیم و تربیت می‌تواند عاملی مؤثر و مثبت برای وقوع توسعه اقتصادی در یک جامعه باشد، می‌تواند به عنوان مانعی در پیدایش توسعه اقتصادی عمل کند؛ در این زمینه‌گی‌روشه می‌گوید:

هدف سیستم آموزشی ایجاد گروهی از نخبگان تحصیلکرده است که کادرهای اداری و تکنیکی مؤسسات اقتصادی و سرویسهای عمومی را تأمین کنند. این نخبگان خود از

جامعه سستی برخاسته ولی طبق برنامه‌ها، آموزش و اصول جامعه استعماری تربیت شده‌اند.^{۷۳}

چنین تربیتی باعث ترویج طرز تفکری خاص می‌گردد که نوعاً با مصالح عمومی جامعه نخبگان مغایر است.

اثر ضد توسعه‌ای چنین تسلط بین‌المللی در طرز تفکر و جهت‌گیریهای تخصصی کشورهای در حال توسعه (بویژه در کشورهای قبلاً مستعمره)، کل نظام آموزشی و فکری جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، و شکی نیست که این دو پدیده (وابستگی فکری و فرار مغزها) عامل مهمی در تشدید شرایط توسعه نیافتگی افریقا، آسیا و آمریکای لاتین است.^{۷۴}

منظور از غربزدگی و وابستگی فکری در بیانات امام هم همین تأثیرات سوء تعلیم و تربیت در این مسأله است که به عنوان مانع در روند توسعه کشور عمل می‌کند.

۲-۳-۳- روحیه یأس و نومیدی و ناتوانی

۲-۲- عنصری "روانی - اجتماعی" که می‌تواند در قالب یک باور فرهنگی به عنوان مانعی عمده برای تحقق توسعه اقتصادی درآید و بر این اساس آن را می‌توان "ضد خوداتکایی و اعتماد به نفس یا انگیزه برای موفقیت" به شمار آورد.

در این مورد می‌توان به تحقیقات متعدد که از سوی مک‌لله‌لند انجام گرفته است، اشاره کرد. بر اساس نظری "تحلیل توسعه اقتصادی مربوط به تعدادی از کشورهای صنعتی بین سالهای ۱۹۲۵ و ۱۹۵۰ میلادی نشان می‌دهد که کشورهایی که در سال ۱۹۲۵ انگیزه موفقیت در آنها قوی‌تر بوده، پیشرفت و توسعه اقتصادی آنها سریعتر از دیگران صورت گرفته است." وی در ادامه کاهش میزان انگیزه موفقیت را عاملی در کود اقتصادی می‌داند.^{۷۵} بنابراین با توجه به این تحقیقات می‌توان گفت که - بر اساس برهان خلف - روحیه یأس و نومیدی به عنوان مانعی قوی در تشدید توسعه نیافتگی و عدم تحقق توسعه اقتصادی عمل می‌نماید.

۳-۳-۳- رژیم وابسته

۲-۳-۲- عنصری سیاسی که در مطالعات توسعه مورد توجه جامعه‌شناسان قرار دارد. در

حقیقت رژیم وابسته به عنوان یکی از حلقه‌های عوامل خارجی مانع توسعه عمل می‌کند؛ چراکه "رژیم وابسته" در چهارچوب منافع ملی، تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی نمی‌کند و بر اساس منافع کشور متروپل و استعمارگر در کشور حرکت می‌کند (شاید درست چنین باشد که بگوییم اصولاً بر اساس برنامه‌های طرح‌ریزی شده از کشور متروپل حرکت می‌کند). این بحث در موضوع "استعمار و نقش آن در توسعه کشورهای عقب مانده" مورد توجه قرار دارد و اصولاً تعبیراتی مانند توسعه پیرامونی که در مباحث توسعه اقتصادی مطرح است، در ارتباط با همین رابطه نامتعادل بین کشورهای استعمارگر و استعمارزده و تأثیرات آن بر وضعیت توسعه اقتصادی کشور استعمارزده است.^{۷۶} در این تحقیق می‌بینیم که این عنصر به عنوان یکی از عوامل مانع تحقق توسعه اقتصادی بسیار مورد توجه امام (ره) بوده است.

۴-۳-۳- عوامل خارجی مانع توسعه

۴-۲- یکی از اصولی‌ترین عوامل در ممانعت از وقوع توسعه اقتصادی که در کشورهای جهان سوم با همراهی عوامل داخلی - رژیم وابسته، تعلیم و تربیت ناصحیح، کمبود و نبودن سرمایه‌گذاری و... متفقاً مانع توسعه اقتصادی واقعی هستند و حتی با گسترش توسعه پیرامونی در این کشورها و از جمله ایران، آنها را از دستیابی به توسعه واقعی دور می‌سازند. این عنصر بیشتر از همه، مورد توجه نظریه وابستگی قرار گرفته است. این نظریه وجود و نگهداشت توسعه نیافتگی جهان سوم را اساساً ناشی از تکامل تاریخی نظام بسیار نابرابر سرمایه‌داری بین‌المللی در روابط بین کشورهای فقیر و ثروتمند می‌داند. همزیستی کشورهای ثروتمند و فقیر در یک نظام بین‌المللی که تحت تسلط روابط نابرابر قدرت بین مرکز Center و پیرامون Peviphery قرار دارد، تلاشهای جوامع فقیر (پیرامونی) را در زمینه خوداتکایی و استقلال در جهت توسعه مشکل و حتی برخی اوقات غیرممکن می‌سازد.^{۷۷} در بیانات امام مکرراً نقش عوامل خارجی در ممانعت از پیشرفت و تحقق توسعه اقتصادی در جامعه‌مان، یادآوری داده شده است.

۵-۳-۳- اعتقاد زدایی از جامعه

۵-۲- همانطوری که قبلاً هم اشاره شد، اندیشمندان و متفکران موضوع توسعه اقتصادی بر این اعتقادند که "توسعه اقتصادی نیازمند هویت مستقل فرهنگی است، بنابراین وجود هویت مستقل فرهنگی برای توسعه اقتصادی لازم است.^{۷۸}

عنصری که در اینجا مورد بحث است در جهت خلاف این اصل است یعنی اعتقاد زدایی از جامعه، ضد هویت مستقل فرهنگی و بنابراین ضد توسعه اقتصادی است. امام (ره) نیز به این مسأله توجه داشته و آن را گوشزد کرده‌اند.

در ادامه تحقیق در قسمت بعد به متن صحبتهای امام (ره) رفته و عناصر مساعد و یا نامساعد توسعه اقتصادی را از بیان ایشان توضیح داده، ارائه می‌کنیم.

یادداشتها

- ۱- توجه به منافع خود - کشورهای صنعتی - در جریان مسائل توسعه اقتصادی کشورهای جهان سوم امری واضح است، ولی برای نمونه مراجعه کنید به:
 - ادوارد برمن، کنترل فرهنگ، ص ۱۶۶ تا ۱۸۷.
 - جرالدام مایر-داولی سائرز، پیشگامان توسعه، ص ۳۷۹.
 - ۲- لوتیس بشک، دگرگونی در مفاهیم و هدفهای توسعه، ص ۷۱
 - ۳- همان مأخذ، ص ۷۸
 - ۴- همان مأخذ، ص ۸۱
 - ۵- همان
 - ۶- میزگرد توسعه و فرهنگ، "نامه فرهنگ شماره ۵ و ۶" ص ۱۶
 - ۷- همان مأخذ و نیز عبدالکریم سروش، تفرج صنع، ص ۲۷۴ تا ۲۲۷
 - ۸- غلامرضا صدیق‌اوری، تغییر اجتماعی از دیدگاه امام خمینی (ره)، ص ۳
 - ۹- همان مأخذ، ص ۵ و ۱۱
 - ۱۰- ریمون کیوی، روش تحقیق در علوم اجتماعی، ص ۲۲۲
 - ۱۱- همان مأخذ، ص ۲۲۳
 - ۱۲- همان مأخذ، ص ۲۲۳
 - ۱۳- ت. فیروزان "روش تحلیل محتوا"، نظرگاه‌ها و روش‌شناسی، ص ۲۲۲، ۲۲۳
- به نقل از پلی‌کپی درس تکنیکهای خاص تحقیق، انتشارات دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی

- ۱۵ - نی بی باموتور، جامعه‌شناسی، ص ۳۲۵ و ۳۲۶.
- ۱۶ - همان مأخذ، ص ۳۲۶.
- ۱۷ - حسین عظیمی، "توسعه، فرهنگ، آموزش"، ص ۴۰.
- ۱۸ - مایکل تودارو، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ص ۴۰.
- ۱۹ - حسین علی قاضیان، مبادی جامعه‌شناختی اندیشه آل احمد (با تأکید بر توسعه)، ص ۳۸.
- ۲۰ - مایکل تودارو، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ص ۱۱۶.
- ۲۱ - همان مأخذ، ص ۱۱۶ و نیز گی‌روشه، تغییرات اجتماعی، ص ۲۱۲.
- ۲۲ - گی‌روشه، تغییر اجتماعی، ص ۲۰۷ تا ۲۱۵.
- ۲۳ - مایکل تودارو، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ص ۱۳۳.
- ۲۴ - سعید محبی، "توسعه و فرهنگ، فرهنگ و توسعه"، ص ۴۷.
- ۲۵ - مایکل تودارو، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ص ۱۳۳.
- ۲۶ - همان مأخذ، ص ۱۱۶.
- ۲۷ - همان مأخذ، ص ۱۱۶.
- ۲۸ - همان مأخذ، ص ۱۱۶.
- ۲۹ - همان مأخذ، ص ۱۳۵ و ۱۳۶.
- ۳۰ - همان مأخذ، ص ۱۲۵.
- ۳۱ - همان مأخذ، ص ۱۳۷ تا ۱۳۹.
- ۳۲ - مجموعه صحیفه نور، ج ۵، ص ۷۶، ۲۳/۱۱/۵۷.
- ۳۳ - همان، ج ۷، ص ۷۹، ۲۱/۳/۵۸.
- ۳۴ - همان، ج ۴، ص ۲۶۴، ۴/۱۱/۵۷.
- ۳۵ - همان، ج ۲۱، ص ۳۸، ۱۱/۷/۶۷.
- ۳۶ - همان، ج ۱۴، ص ۱۸۳، ۲۴/۱/۶۰.
- ۳۷ - همان، ج ۱۴، ص ۴ تا ۲۹، ۲۹/۱۰/۵۹.
- ۳۸ - همان، ج ۱۰، ص ۲۷۸، ۲۱/۹/۵۸.
- ۳۹ - همان، ج ۱۳، ص ۱۹۸، ۱۷/۶/۵۹.
- ۴۰ - همان، ج ۱۱، ص ۱۴۲، ۸/۱۰/۵۸.
- ۴۱ - همان، ج ۷، ص ۲۳ و ۲۴، ۱۰/۳/۵۸.
- ۴۲ - همان، ج ۱۰، ص ۵۵ و ۵۶، ۴/۸/۵۸.
- ۴۳ - مجموعه صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۲۳۲ و ۲۳۳.
- ۴۴ - همان، ج ۱۴، ص ۱۹۳ - ۱۹۵، ۳۱/۱/۶۰.
- ۴۵ - وصیت‌نامه، ص ۲۲.
- ۴۶ - وصیت‌نامه، ص ۲۱.
- ۴۷ - مجموعه صحیفه نور، ج ۴، ص ۲۸۳ و ۲۸۴، ۱۲/۱۱/۵۷.
- ۴۸ - همان، ج ۶، ص ۲۲۷، ۳۱/۲/۵۸.

- ۴۹ - همان، ج ۶، ص ۲۴۶، ۲/۳/۵۸
- ۵۰ - ولایت فقیه، ص ۱۷
- ۵۱ - ولایت فقیه، ص ۲۴
- ۵۲ - مایرون ونیر، نوسازی جامعه، ص پنج و شش
- ۵۳ - حسین عظیمی، "توسعه، فرهنگ، آموزش، ص ۴۴ و همچنین "نامه فرهنگ، میزگرد توسعه و فرهنگ، ص ۱۹ تا ۲۱
- ۵۴ - همان، ص ۴۵
- ۵۵ - گئی ریشه، تغییرات اجتماعی، ص ۲۲۸ تا ۲۳۲
- ۵۶ - مصطفی ازکیا، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی روستایی، ص ۵ تا ۳۰
- ۵۷ - همان مأخذ، ص ۳۰ تا ۳۰
- ۵۸ - محمد توکل، "میزگرد توسعه و فرهنگ" ص ۱۶
- ۵۹ - برای اطلاع بیشتر مراجعه کنید به "میزگرد توسعه و فرهنگ" ص ۱۶ تا ۲۱
- ۶۰ - مایکل تودارو، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ص ۴۳
- ۶۱ - همان مأخذ، ص ۴۴
- ۶۲ - همان مأخذ، ص ۱۳۶
- ۶۳ - همان مأخذ، ص ۱۳۷ و ۱۳۸
- ۶۴ - گئی ریشه، تغییرات اجتماعی، ص ۸۷ و ۸۸
- ۶۵ - ژولین فروند، جامعه‌شناسی ماکس وبر، ص ۲۱۹
- ۶۶ - گئی ریشه، تغییرات اجتماعی، ص ۸۷
- ۶۷ - برای نمونه مراجعه کنید به:
- محمود سریع‌القلم، اصول ثابت توسعه سیاسی، "اطلاعات سیاسی اقتصادی شماره ۵۵ و ۵۶ (فروردین و اردیبهشت ۷۱) ص ۲۶ تا ۲۹.
- لوسین پای، فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی (تزمجید محمدی) "نامه فرهنگ" شماره ۵ و ۶ (بایبزو زمستان ۷۰) ص ۴۱.
- ۶۸ - مایکل تودارو، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ص ۴۷۳
- ۶۹ - همان مأخذ، ص ۴۷۳
- ۷۰ - لوئیس بشک، دگرگونی در مفاهیم و هدفهای توسعه، ص ۷۲ - ۸۱
- ۷۱ - محمود سریع‌القلم، اصول ثابت در توسعه سیاسی، ص ۲۷
- ۷۲ - گئی ریشه، تغییرات اجتماعی، ص ۲۵۶
- ۷۳ - همان مأخذ، ص ۲۶۲
- ۷۴ - مایکل تودارو، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ص ۵۱۸
- ۷۵ - گئی ریشه، تغییرات اجتماعی، ص ۱۸۸ - ۱۸۹
- ۷۶ - همان مأخذ، ص ۲۴۵ تا ۲۸۶
- ۷۷ - مایکل تودارو، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ص ۱۲۲
- ۷۸ - حسین عظیمی، "توسعه، فرهنگ، آموزش"، ص ۴۵



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی